

علمی پژوهشی

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی^{۱*}، یاسر خوش سیرت سلیمی^۲، شهناز بختیاری^۳

چکیده

رشد و توسعه روستایی و از آن بالاتر توسعه کشور، ارتباط تنگاتنگی با مشارکت روستاییان در بهره‌گیری کارا تر از منابع موجود دارد. اما با وجود مزایای فراوان توسعه روستایی و بهبود اوضاع شخصی کشاورزان، راندمان نظام کشاورزی پایین است.

تاریخ دریافت:

۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۳ مرداد ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

شالیزار؛ توسعه کشاورزی؛ دیدگاه کشاورز؛ موانع کشاورزی؛ تحلیل موقعیت کشاورزی.

پژوهش حاضر با روش کیفی و با استفاده از روش تحلیل موقعیت به بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی در شالیزارهای شمال ایران انجام شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌عمیق از کشاورزان شهرستان لاهیجان (استان گیلان) بود. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۵ روستایی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند تصادفی از ۵ روستای شهرستان لاهیجان، است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از فنون خاص روش تحلیل موقعیت انجام پذیرفت. از دیدگاه کشاورزان مورد مطالعه، موانع و مشکلاتی مانند: مسائل زیرساختی، مسائل اقتصادی، موانع فرهنگی، انگیزشی وجود دارد. نگرش کشاورزان، شیوه تعریف کشاورزان از هویت خود و چگونگی همکاری‌ها و تعاملات میان روستاییان نیز بر بهره‌گیری مؤثر از منابع موجود دارد.

۱-مقدمه

شالیزارهای شمال ایران از جمله روستاهای اطراف شهرستان لاهیجان، به نهادهای زراعی، دسترسی مطلوبی دارند. متوسط بارندگی شمال کشور، از متوسط بارندگی سایر مناطق ایران بالاتر است. سطح ایستابی در خشک‌ترین فصل سال از متوسط شش تا هفت متر پایین‌تر نمی‌رود. حتی بخش بزرگی از مزارع گیلان، به شبکه مویرگی قابل پیش‌بینی پخش آب سپیدرود دسترسی دارد (نوابیان و آقاجانی، ۱۳۹۱ و هادی نیا، ۱۳۹۲). خاک مناسب بوده و شور نیست. تعداد روزهای آفتابی، کم‌تر از سیصدروز در سال نیست. برخلاف مناطق

^۱ استاد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسوول).

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی. پردیس علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه یزد. یزد. ایران

^۳ دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد تهران مرکزی. گروه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی. تهران. ایران.

نیمه‌قطبی، حتی زمستان، از حداقل ده ساعت روشنایی روز برخوردار است و تعداد روزهایی که دما در زمستان به زیر صفر و یا در تابستان به بالای چهل درجه برسد، معدود است. میزان رطوبت نسبی هوا بالای ۷۵٪ و گاه تا ۱۰۰٪ است و به علت رطوبت شدید، اختلاف دمای شب و روز، بسیار کم بوده و مانعی از این جهت وجود ندارد. همچون هلند، معضلی به‌نام کمبود زمین وجود ندارد. استان‌های شمالی ایران دارای آب‌وهوای معتدل و مرطوب، اراضی کشاورزی مرغوب، دانش بومی کشاورزی، تنوع بهره‌برداران بخش کشاورزی و زیرساخت‌های دسترسی و ارتباطی با مراکز پرجمعیت کشور نظیر پایتخت می‌باشند (شفائیه، کاوسی و قلی‌زاده، ۱۴۰۳)

طبیعی است افزایش محصولات و درآمد، منجر به افزایش کمیت محصولات در سبد تولید ناخالص داخلی و توسعه کلی کشور شود. همچنین، اشتغال هرچه بیشتر و درآمدزایی و توسعه بومی، می‌تواند باعث بالارفتن کیفیت زندگی، بهبود موقعیت بومیان و افزایش رفاه گردد. طبیعی است، عدم بهره‌گیری از امکانات موجود، کاهش درآمد، ناامیدی از زندگی در روستا و مهاجرت را در پی دارد. بسیاری از متون جامعه‌شناسی پیامد مهاجرت به شهر را انواعی از ناهنجاری، همچون مناقشات سازگاری فرهنگی، گرانی مسکن، اشتغال کاذب، افزایش بیکاری، جرم و جنایت و... دانسته‌اند (رایبگتون، ارل. واینبرگ، مارتین، ۱۳۸۳).

به نظر می‌آید از زیرساخت‌ها و امکانات زراعی شالیزارهای شمال کشور و در مورد خاص لاهیجان، بهره‌برداری حداکثری نمی‌شود. به‌عنوان نمونه اگر به مقایسه کشت دوم و سوم مناطق خشک ایران مانند اصفهان، یزد، همدان، تهران و... توجه شود و یا حتی قیاسی با مناطق اقلیمی مشابه روستاهای استان‌های هم‌جوار یعنی گلستان و مازندران انجام شود، از آن دقیق‌تر در خود استان گیلان، به تطبیق شیوه کشاورزی شهرستان همسایه یعنی آستانه‌اشرفیه پرداخته شود، معلوم می‌گردد؛ بهره‌گیری حداکثری از شالیزارهای روستاهای لاهیجان، محدود است.

برنج پس از گندم، به‌عنوان دومین محصول استراتژیک ایران و جهان اهمیت بسیار زیادی دارد. کشت برنج، اصلی‌ترین فعالیت کشاورزی استان بوده و اقتصاد گیلان مبتنی بر کشاورزی با محوریت برنج است. نقش برنج حقیقتی انکارناپذیر در اقتصاد خانوارهای گیلانی دارد. تولید پایدار برنج در این منطقه می‌تواند به توسعه و معیشت روستایی کمک کند. معیشت مفهومی فراتر از داشتن درآمد است، بنابراین می‌توان تولید پایدار برنج را کلیدی برای بهبود معیشت شالیکاران دانست و به آن‌ها برای داشتن زندگی با رفاه بیشتر یاری می‌رساند.

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

پیش از این پژوهش، شفافیه، کاوسی و قلی‌زاده (۱۴۰۳) به دنبال این پرسش بوده‌اند که چرا با وجودی که سه استان شمالی ایران، (گیلان، مازندران و گلستان) شرایط اقلیمی و محیطی تقریباً یکسانی با کشور هلند دارند، ساختار اقتصادی و کشاورزی‌شان تا این حد متفاوت است. دغدغه پژوهش نداد و همکاران (۱۳۹۴) در فومن این بود که چرا با وجود سطح وسیع اراضی شالیکاری استان، مزارع به‌مدت شش تا هفت ماه از سال رها شده و تفکر کشت‌دوم برنج یا انواع محصولات سبزی‌وصیفی، علوفه، حبوبات و دانه‌های روغنی جا نیافتاده است. مطالعه نوایان و آقاجانی (۱۳۹۱) و هادی‌نیا (۱۳۹۲) با طرح این مطلب که یکی از موانع کشاورزی اقتصادی استان گیلان کشت تک‌محصولی برنج است. پرسشی مشابه داشته‌اند؛ چرا تاکنون کشاورز گیلانی رغبتی به کشت محصولات غیر برنج از خود نشان نداده است. درحالی‌که بنا به گزارش جهاد کشاورزی استان گیلان از ۲۳۸ هزار هکتار اراضی شالیکاری استان حدود ۵۰ هزار هکتار آن بدون هیچ‌گونه عملیات زیربنایی توانایی کشت محصولات غیر برنج و یا کشت دوم پس از برنج را دارد. همچنین شاهین‌رخسار و همکاران (۱۳۹۶) نیز به بررسی معضلات توسعه کشت دوم و کشت محصولات جایگزین در شهرستان آستانه اشرفیه پرداختند.

تعداد مقالات نوشته شده در حوزه موانع توسعه کشاورزی با تمرکز شالیزارهای استان‌های شمالی، نادر است. علاوه بر آن، کارشناسان بخش کشاورزی از منظر تکنیکی به محدودیت‌های مؤثر پرداخته‌اند. اما گاه لازم است از چشم‌اندازهای دیگر به مسأله توجه شود. قابل ذکر است، از این منظر، پژوهش حاضر، به جای تمرکز بر نظرات کارشناسان دانش‌آموخته و مجریان بخش کشاورزی، مستقیم به سراغ خود کشاورزان رفته و طرز تلقی و نگرش آنان، جهت توسعه و بهره‌گیری

شالیزارها و بهبود درآمد شخصی را بررسی نمود. چمبرز (۱۳۷۸) درون‌بینی و عمل با یکدیگر توأم هستند، در اغلب موارد بهتر است که با عمل شروع نماییم، اما چنانچه بخواهیم خدمت به فقرای روستایی را در صدر کارهای خود قرار دهیم، باید با عقاید و پندارهای بنیادی به مقابله پرداخت و ارزش‌های شخصی را به مبارزه طلبید و به تمرین تصورات جدیدی پردازیم (چمبرز، ۱۳۷۸: ۲۴۴، ۲۴۳).

بنابراین در پژوهش حاضر دغدغه این است، هنگامی که نهادهای اساسی کشاورزی، فراهم است و کمبود جدی منابع وجود ندارد، عوامل مؤثر بر عدم بهره‌گیری از منابع و نهادهای کشاورزی کدامند؟ همچنین این

پرسش مطرح است که موانع توسعه کشاورزی از دیدگاه شالیکاران روستاهای لاهیجان کدامند. امید است، نتایج این تحقیق در شناسایی مشکلات و موانع توسعه کشاورزی، برنامه‌ریزان ملی و منطقه‌ای کمک نماید.

۲- مبانی نظری

از جمله چالش‌های بزرگ کشاورزی توسعه‌نیافتگی روستاهای ایران مسأله خرده‌مالکی است. مشاهده میدانی نگارندگان، گواه است، دهقانان روستاهای لاهیجان، مانند بسیاری از روستاهای ایران، مالک مزارعی هستند که هم مساحتش پایین است و هم اینکه این اراضی، در جاهای مختلف یک روستا یا حتی روستاهای مجاور، واقع شده است (کشاورز، انصاری و سلامی؛ ۱۴۰۱ و تقدیسی و بسحاق؛ ۱۳۸۹). البته مسأله کوچکی اراضی کشاورزی، پدیده منحصربه‌فرد و خاص ایران نیست. ناگایتس (۲۰۰۵) آن را نظام زمین‌داری مستقر در غالب کشورها می‌داند.

کوچکی و پراکندگی مزارع، مانع استفاده صحیح و کارآمد از ماشین‌ها و کاهش مکانیزاسیون در مزارع، کاهش استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های جدید کشاورزی، تأثیر منفی در بازدهی نیروی کار و پایین‌بودن بهره‌وری عوامل تولید، اتلاف منابع آب، اتلاف وقت، ایجاد هزینه و زحمت اضافی و در نتیجه عدم بهره‌وری از مزایای فناوری‌های به‌روز و بازدارنده تغییر روش‌های سنتی کشاورزی و مدیریت بهینه آن برای رسیدن به استانداردهای کمی و کیفی جهانی می‌شود. "اقتصاد اندازه"، می‌گوید که بین اندازه واحدهای تولیدی و هزینه‌های تولید محصول پایدار ارتباط منطقی وجود داشته باشد (کشاورز، انصاری و سلامی، ۱۴۰۱؛ تقدیسی و بسحاق، ۱۳۸۹؛ دمتریو و همکاران، ۲۰۱۳). شالیزارهای رشت (با تعمیم شالیزارهای استان) سنتی است. به‌علت پراکنش سنتی مزارع و باریک بودن مرز بین آن‌ها، بهره‌گیری با راندمان‌های بالاتر، به‌سختی ممکن است (صادق‌زاده. اللهیاری و انصاری، ۱۳۹۳).

وسعت سطوح کشاورزی و بارندگی هلند که حائز رتبه دوم صادرات کشاورزی و دام‌پروری کره زمین است با وضعیت نه‌چندان جالب استان‌های شمالی (گیلان و مازندران) قابل مقایسه است. سرمایه‌گذاری بخش فناوری کشاورزی، روش‌های تأمین مالی جدید، سیستم حمایتی و انواع تعاونی‌ها، استفاده از فناوری‌های گلخانه‌ای هیدروپونیک آب‌کشت و هواکشت، انرژی زمین‌گرمایی و نورافشانی مصنوعی، روش‌های نوین و متنوع آموزش

کشاورزی، سیستم بسته‌بندی به‌روز، ارتباط مؤثر با مؤسسات تحقیقاتی، عامل رشد آن بوده است (شفائیه، کاوسی و قلی‌زاده، ۱۴۰۳).

در عوض، مشکلات توسعه کشاورزی شالیزارهای شمال مشابه مسائل کشاورزی سایر مناطق ایران یا حتی جایی مثل بنگال غربی به عوامل زیرساخت کشاورزی (خاک، زمین، سرمایه، آبیاری)، اقتصادی-مدیریتی (برنامه‌ریزی، حمایت‌های دولتی، نیروی کار، هزینه‌های تولید، نوسان قیمت، بازاریابی، مضایق تسهیلاتی و سرمایه‌ای)، فنی-تکنولوژیکی (مهارت‌های فنی، ابزار و دستگاه‌ها و نهاده‌های کشاورزی مدرن، نگهداری محصولات کشاورزی)، آموزشی- ترویجی (موانع انگیزشی، نگرشی، فرهنگی، آگاهی و دانش کشاورزان) و موانع طبیعی و محیطی برمی‌گردد. فقر تحقیقاتی و عدم معرفی محصولات و ارقام مناسب و از طرف دیگر، نداشتن برنامه‌های اجرایی حمایتی مناسب است (کریم‌زاده، مجید، ۱۴۰۰؛ نداف و همکاران، ۱۳۹۴؛ مرادی، میرک‌زاده و رستمی، ۱۳۹۷؛ بازیار و احمدوند، ۱۳۹۶؛ پاپزن و شیرینی، ۱۳۹۱؛ خالدی و امجدی، ۱۳۹۰؛ صادق‌زاده؛ اللهیاری و انصاری، ۱۳۹۳؛ ماکال و همکاران، ۲۰۱۷؛ یانگ، ۲۰۱۱؛ وودهوس و همکاران، ۲۰۰۰).

بسیاری از کشاورزانی که در قطعات زمین خرد زراعت می‌کنند، آن را اشتغال فصلی دانسته و در فصل زمستان به صیادی یا درآمدزایی از سایر منابع می‌پردازند. بدین‌وسیله بومیان، به درآمدهای نصفه‌ونیمه و عمدتاً ناکافی دست می‌یابند. در این صورت آن‌ها، به زراعت، به‌صورت حرفه‌ای نگاه نکرده، بلکه صرفاً به‌عنوان یکی از منابع درآمد، نگریده و چندان تلاشی برای بالابردن کارایی در انواع منابع درآمد از جمله برنجکاری نشان نمی‌دهند (خوش‌سیرت و همکاران، ۱۴۰۳).

در پارادایم جدید توسعه روستایی، مردم، هم نقش محوری در تحقق فرآیند توسعه دارند و هم خود، هدف توسعه‌اند (کلانتری، ۱۳۷۴). افزایش رفاه روستاییان و بهبود کیفیت زندگی آنان در نواحی روستایی از یک طرف متأثر از عوامل، فعالیت‌ها و تحولاتی است که درون نواحی روستایی وجود دارند و از طرف دیگر تحت تأثیر عوامل بیرونی است (اسدپور، ۱۳۹۵). توسعه روستایی علاوه بر افزایش تولیدات کشاورزی، بهبود تغذیه و ارائه خدمات اساسی از قبیل آموزش، بهداشت و افزایش رفاه عمومی و بهبود سطح زندگی روستایی شامل مشارکت بومیان در فرآیند توسعه و تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی اجتماعات محلی و بهره‌گیری از تجربیات آن‌ها در جهت

کنترل و بهره‌برداری از منابع محلی نیز بخشی از فرآیند است. توسعه ساخت‌وساز فرهنگ جوامع روستایی بدون مشارکت روستاییان صورت نمی‌گیرد و از همه مهم‌تر، عدم وجود امکانات و مناسبت‌های فرهنگی مناسب، عدم دانش کافی و محدودیت توانایی روستاییان از موانع اصلی در مشارکت روستاییان برای ساخت فرهنگ جوامع روستایی است (یانگ، ۲۰۱۱).

دارایی‌های پایدار خانواده‌ها برای تأمین معیشت، شامل پنج سرمایه‌ انسانی، سرمایه طبیعی، سرمایه اجتماعی، فیزیکی و سرمایه مالی است (اسکونز، ۱۹۹۸). پایداری به معنای ایجاد موازنه پویا میان عوامل مؤثر فراوان نظیر عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی مورد نیاز نوع بشر است (مرصوصی، ۱۳۹۱).

توسعه کشاورزی همان‌طور که چمبرز (۱۳۷۸) می‌گوید، در «سطح فردی» موجب بهبود اوضاع کشاورزان می‌شود و آن‌ها را از فقر، انزوا، فشار نیازهای آبی بر نیازهای درازمدت، بیماری و ناتوانی به دور می‌دارد. از منظر طالب (۱۳۹۱)، در دوره‌های مختلف اقتصادی کشورها، اصولاً یکی از مهم‌ترین مسائل، توسعه مناطق روستایی است. او توسعه روستایی را نه به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های توسعه، بلکه مهم‌ترین آن‌ها، شمرده و آن را فرآیندی چندبعدی دانسته که در جهت بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی گام برمی‌دارد. در «سطح کلان»، هم توسعه کشاورزی با کاهش وابستگی و نوسان، افزایش سرمایه مالی، موجبات بهبود اوضاع کشور را فراهم می‌کند. پاتانائیک و موهانتی (۲۰۱۷) بر این باورند کشاورزی در توانمندسازی دولت برای رسیدن به خودکفایی غذایی و حفظ آن، نقش کلیدی دارد. آن‌ها، رشد پایدار کشاورزی را با تغییر الگوهای کشت و تحول آن، مرتبط دانستند. اشراقی و همکاران (۱۳۹۴) از منظر اقتصاد به قضیه نگریسته و بیان داشتند؛ وجود یک بخش کشاورزی پیشرو و نیرومند از ضروریات فرآیند توسعه اقتصادی بوده و تا زمانی که موانع توسعه این بخش فراهم نشود، سایر بخش‌ها نیز به شکوفایی و توسعه دست نخواهند یافت.

جمعیت گیلان کم‌تر از یک‌درصد جمعیت کشور است، ولی تولیدات کشاورزی آن بسیار متنوع و در حدود ۳/۵ درصد از تولیدات کشاورزی کشور است. نصرتی، برقی و قنبری. (۱۴۰۱) اذعان داشتند؛ محصولات کشاورزی گیلان متنوع و برخی از آن‌ها مانند برنج، چای و زیتون که سه محصول اساسی استان است، به‌ترتیب (۳۶٪)، (۹۰٪)، (۸۳٪) از سهم تولیدات کشور را به خود اختصاص داده و از اعتبار و اهمیت ویژه‌ای در مقیاس ملی برخوردارند. در کنار آن‌ها، تولیدات فرعی چون مرکبات، فندق، کیوی، بادام، سبزی‌جات و گیاهان دارویی،

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

صنوبرکاری جهت استحصال الوار و... هم رواج دارد. شفائیه، کاوسی و قلی‌زاده (۱۴۰۳) استان‌های شمالی قطب اصلی تولید بسیاری از محصولات راهبردی بخش کشاورزی نظیر برنج، چای، فندق، مرکبات، و ... می‌باشند. همچنین در بین سه استان شمالی، گیلان، در زیربخش مکانیزاسیون، آموزش و زیرساخت، دامپروری و رتبه-بندی نهایی الگوی TRUST، وضعیت بهتری نسبت به آن دو استان دارد.

متأسفانه آمارهای کشاورزی استان و لاهیجان به هیچ‌وجه به‌روز نیست و نویسندگان با مطالب در دسترس، مقصود خود را پیش می‌برند. از آمارهای قدیمی می‌توان متوجه شد هر ساله، حدود ۲۳۸ هزارهکتار از شالیزارها، به زیر کشت برنج می‌رود (آمارنامه جهاد کشاورزی استان گیلان، ۱۳۹۰). کشاورز و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند؛ گیلان، بعد از مازندران با ۳۲/۸٪ سطح زیرکشت با تولید بیش از سی درصد، مقام دوم تولید برنج در کشور را داراست. البته رضایی، امیری و کمالی (۱۴۰۳) با استفاده از روش سنجش از راه دور نشان دادند سطح شالیزارهای استان گیلان حدود ۲۱۸ هزارهکتار است. مشاهدات عینی پژوهشگران این تحقیق نشان می‌دهد گیلان با تغییرات اقلیمی و کاهش بارش مستقیم در سطح خود استان و کاهش دبی سفیدرود، تغییر کاربری مزارع و ویلاسازی، کاهش زادولد و مهاجرت جوانان به سایر نقاط کشور، با کاهش سطح زیرکشت برنج و تغییر نوع کشت مواجه شده است. آمارنامه رسمی نسبتاً قدیمی وزارت جهاد کشاورزی، نیز گواه کاهش سهم استان گیلان در تولید برنج کشور است. به‌طوری‌که روند کاهشی سال‌های ۸۶-۸۷، ۸۷-۸۸، ۸۸-۸۹ با ترتیب ۳۰.۰۷، ۲۹.۳۵، ۲۷.۸، این مدعا را تأیید می‌کند (آمارنامه کشاورزی، ۱۳۸۷؛ آمارنامه کشاورزی، ۱۳۸۸؛ آمارنامه کشاورزی، ۱۳۸۹). این کاهش تولید با توجه به ظرفیت و استعداد این استان جای تأمل دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

تحلیل موقعیت به‌عنوان یک روش تحلیل در مقالات فارسی کم‌تر به‌کار برده شده است. کلارک می‌گوید: به دنبال مفهومی به‌جای "بستر" بودم. مفهومی که در آن مؤلفه‌ها، خارج از بستر مورد بررسی تصور نشوند، بلکه بخشی از آن به‌شمار آیند. به‌طوری‌که پژوهشگر بتواند گردآوری داده‌ها و تحلیل را در آن، چارچوب-بندی کند. ... می‌توان بر یک موقعیت کوچک یا بر موقعیتی بزرگ‌تر متمرکز شد (کلارک و کلر، ۲۰۱۴: ۱۹).

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

پرز و کانلا هم در روش تحلیل موقعیت می‌خواهند، پیچیدگی‌های موجود در موقعیت را آنچنان که تغییر می‌کنند، پابرجا باقی می‌مانند و الگوها و وضعیت‌ها را به وجود می‌آورند، تصویرسازی کنند. به طوری که ملاحظات در حاشیه قرار گرفته و دانش‌های منکوب شده بروز یافته و بر "سوژه شناسا" متمرکز گردد (پرز و کانلا، ۲۰۱۳: ۵۰۶). از جامعه‌شناسی وبر و مکتب تعامل نمادین می‌توان دریافت افراد در تلاش برای هماهنگ-سازی کنش خود با دیگران هستند. انسان براساس نگرش خود، رفتار دیگران را پیش‌بینی، معنادهی و تفسیر نموده و در موقعیت، به جای واکنش در برابر موقعیت، به کنش‌سازی یا برسازگی کنش می‌پردازد (بابایی سالانقوج و همکاران، ۱۳۹۶). با چنین نگرشی، تحلیل موقعیت، امکان مطالعه گفت‌وگو و عاملیت، عمل و ساختار، ایماژ، متن و زمینه، تاریخ و زمان حال را در موقعیت‌های پیچیده فراهم می‌کند. آن هم در جایی که علاوه بر عاملان انسانی، عوامل غیرانسانی و ضمنی نیز تأثیرگذار هستند. بنابراین در تحقیق حاضر که سعی در بررسی عوامل و موانع توسعه شالیکاری از منظر روستاییان دارد، از روش مذکور بهره گرفته شد.

جامعه آماری تحقیق حاضر را روستاییان تشکیل می‌دهد. مراد از روستاییان، افراد ساکن در روستا می‌باشند که زندگی ویلایی و تفریحی ندارند. به این منظور، نمونه‌گیری با روش تصادفی هدفمند، از پنج روستای متفاوت معرف شرایط اقلیمی و فرهنگی در چهارجهت جغرافیای تقریبی مختلف شهرستان لاهیجان انجام گرفته است. نتایج، محصول نظرات فی‌البداهه ۱۵ روستایی است. به دلیل آنکه آرای از پیش تعیین شده ممکن بود به نادیده گرفتن عوامل مهم و مؤثر دیدگاه‌ها و ذهنیت روستائینان مرتبط با مبحث کشاورزی در پژوهش منجر شود، از کاوش عمیق استفاده شد، طبیعی است، در صورتی که مصاحبه‌ها صورتی از پیش تعیین شده و به شکل مصاحبه‌های بسته ارائه می‌گردید، احتمال شکل‌گیری نتایج به شکل دیگر هم بود. از آنجاکه انجام بررسی حاضر که پژوهش از نوع کیفی است، از پرسش‌نامه نیمه‌باز به‌عنوان ابزار اصلی تحقیق استفاده شد. روش پژوهش، نیز "تحلیل موقعیت" و متن براساس رهنمودهای کلارک (کلارک، ۲۰۰۵) تنظیم شده است. در جدول زیر مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان درج شده است.

شماره کشاورز	روستا	جنسیت	سن	میزان زمین کشاورزی در اختیار	جنس فعالیت (ترتیب اولویت اشتغال)
۱	لیالستان	زن	۴ ۲	حدود ۵۰۰۰ متر مربع شالیزار و مزرعه چای	خانه داری، کشاورزی
۲	لیالستان	زن	۴ ۲	-----	سوپرمارکت و خانه داری
۳		مرد	۵ ۷	-----	کارگر پیمانکاری برق
۴		مرد	۶۵	حدود ۸۰۰۰ متر مربع شالیزار	کشاورزی، عضو شورای روستا
۵	کچلا بالا محله	مرد	۴ ۰	حدود ۴۰۰۰ متر مربع شالیزار	تراشکار و کشاورزی
۶		زن	۶۰	حدود ۵۰۰۰ متر مربع شالیزار	کشاورزی و خانه داری
۷		مرد	۲ ۳	مالکی خاندان ۷۰۰۰ متر مربع	کارگر روزمزد و کشاورزی در خانواده گسترده
۸	سرچشمه	مرد	۴ ۱	حدود ۲۰۰۰ متر مربع شالیزار	کشاورزی و اجاره ۸۰۰۰ باغ چای
۹		زن	۵ ۵	حدود ۷۰۰۰ متر مربع	خانه داری و کشاورزی

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

شماره کشاورز	روستا	جنسیت	سن	میزان زمین کشاورزی در اختیار	جنس فعالیت (ترتیب اولویت اشتغال)
۱۰	آقاسید حسین بر	مرد	۵ ۳	حدود ۲۵۰۰ متر مربع	قهوه خانه، باغ را اجاره داده
۱۱		مرد	۵ ۰	یک هکتار	پیمانکار ساختمان، کشاورزی و اجاره مزارع دیگران
۱۲		زن	۶۲	حدود ۵۰۰۰ متر مربع شالیزار	کشاورزی و اجاره مزارع دیگران
۱۳	سرشکه بالامحله	مرد	۸ ۷	حدود ۸۰۰۰ متر مربع شالیزار	مزارع را بصورت مزارعه اجاره داده
۱۴		زن	۶۲	حدود ۲۰۰۰ متر مربع شالیزار	خانواده، مزارع را بصورت مزارعه اجاره داده
۱۵		مرد	۴ ۸	----- ---	کارمند، اجاره ۷۰۰۰ مترمربع زمینهای پدری

شکل ۱. مشخصات پرسش شوندگان (مأخذ: نگارندگان)

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

۴- یافته‌ها

مراحل نقشه‌ای سه‌گانه تحلیل موقعیت

انجام تحلیل‌های موقعیت طی فرآیند تحقیق که در سه نقشه آمده است:

الف) نقشه ساخت‌نیافته، ب) نقشه منظم، ج) نقشه عرصه‌ها و زمینه‌ها

طبق تحلیل موقعیت، موقعیت کنش از ابعاد و عناصر بسیار گوناگون و پیچیده‌ای ترکیب شده است که با نظریه تحلیل موقعیت کلارک بهتر قادر به درک و بازنمایی زمینه‌ها، شرایط علی و میانی و پیامده پدیده می‌شود و مضاف بر آن مؤلفه‌های فراعلی و زمینه‌ای و میانجی را نیز لحاظ می‌کند. به‌نحوی که هیچ موردی در زمان و مکان درون و پیرامون مسأله نادیده گرفته نمی‌شود. به‌عبارتی تحلیل موقعیت کلارک خود را از قید بندها رها می‌کند. خود او می‌گوید من دنبال روشی بودم که کل بستر را شناسایی و رونمایی کند (کلارک، ۲۰۱۵: ۳۸). شیوه تحلیل موقعیتی، ضمن به‌کارگیری وسعی در انطباق و اصلاح نظریه زمینه‌ای برای مطالعه موقعیت سیال معاصر، بر استفاده از دیگر شیوه‌های تحلیل به‌ویژه تحلیل روایتی، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوای کیفی تأکید دارد. از این‌رو، تحلیل موقعیتی اصولاً یک شیوه تحلیل چندگانه است. در تحلیل موقعیت از یک سری ابزارهای خاص استفاده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

نقشه‌های تحلیل موقعیتی دارای انواع سه‌گانه‌ای به شرح زیر هستند:

۱- نقشه‌های موقعیتی: از این نقشه‌ها به‌عنوان راهبردهای مفصل‌بندی عناصر موجود در یک موقعیت و بررسی روابط بین آن‌ها استفاده می‌شود.

۲- نقشه‌های جهان‌ها/عرصه‌های اجتماعی: به‌عنوان کارتوگرافی تعهدها، روابط جمعی و مکان‌های کنش مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۳- نقشه‌های وضعیت: به مثابه راهبردهای ساده‌سازی ترسیم وضعیت‌های مفصل‌بندی‌شده و مفصل‌بندی‌نشده در گفتمان‌ها به کار می‌روند (کلارک، ۲۰۰۵: ۸۶).

روستاییان به عوامل مختلفی در پاسخ به سؤالات مطرح‌شده اشاره نمودند. نگاهی گذرا به نسخه ساخت-نیافته (شکل ۲)، نشان از تنوع و تمایز کنشگران و مؤلفه‌های دخیل در این عرصه از منظر پاسخ‌گویان دارد. همان‌طور که در یک نمای کلی دیده می‌شود، مؤلفه‌های انسانی، غیرانسانی، مادی نمادین/گفتمانی مربوط به یک موقعیت و توسط پاسخ‌دهندگان مطرح شده است.

نسخه منظم نقشه‌های موقعیت

این نقشه‌ها گفتمان‌ها و مؤلفه‌هایی را که پیش‌تر در نقشه ساخت-نیافته ظهور یافته بودند، چارچوب-بندی و سازمان‌دهی می‌کند و به‌صورت منظم و دسته‌بندی‌شده ارائه می‌دهد (کلارک، ۲۰۰۵).

نقشه موقعیت

کشگران / عناصر انسانی فردی ازکیا، راجرز، جمیرز، صادقزاده، اللهیاری	کشگران / عناصر غیرانسانی فردی مزارع باتلاقی، واقع شدن مزرعه در میان مزارع دیگران مزارع دور، مزارع واقع شده در روستای دیگر، مزارع نیازمند آبیاری با پمپ، نبود زمین کافی (در اختیار هر کشاورز)، عدم امکان کشت دیگر
کشگران / عناصر انسانی جمعی همولایتی ها، شورای روستا، عدم همکاری سازمان های دولتی، مانع تراشی سازمان های مسئول، قهوه خانه	عاملین / بازیگران دخیل / خاموش بزرگ مالکی، شرکت های کشت و صنعت، شرکت های تعاونی روستایی، تعاونی های تولید مشاع، شرکت های سهامی زراعی، تولید تجاری، نهادهای دولتی و خصوصی مطالعات / اجرای کشاورزی
پرساخت های گفتگویی موجود در عاملین منفرد و / یا جمعی انسانی سنت و رسوم محلی، عادت و هنجارهای محل، عدم همکاری در محل، سنت شکنی، نوآوری، همولایتی ها، جو منفی، عادت به مصرف برنج کیفی، انتظار شکست، توجه به زندگی مصرفی شهری	پرساخت های اجتماعی - فرهنگی نمادین عادت به مصرف برنج کیفی، سنت و رسوم محلی، عادت و هنجارهای محل، توجه به زندگی مصرفی شهری
مؤلفه های اقتصادی / سیاسی درآمد کم کشاورزی، هزینه های بالای زراعت، تولید و مصرف معیشتی، غیرمکانیزه بودن کشاورزی، کمبود سرمایه، درآمدهای بالاتر بخش غیر کشاورزی، تالیف مجاتی و رها کردن دام، سرقت و خسارت، عدم همکاری سازمان های دولتی، نبود زمین کافی (در اختیار هر کشاورز)	مؤلفه های فضایی گفتگویی های مرتبط مزارع باتلاقی، مزارع نیازمند آبیاری با پمپ، مزارع دور، مزارع واقع شده در روستای دیگر، نبود زمین کافی (در اختیار هر کشاورز)، زمین های بایر و رها شده، واقع شدن مزرعه در میان مزارع دیگران، قهوه خانه نشینی
مؤلفه های زمانی کپولت سن، تأثیر تجربه بر تمایلات و خواسته ها، سنت و رسوم محلی	موضوعات / بحث های عمده برداشت دوم برنج، کشت جاتی کلسزا، باقلا بزرگ، برگ سیر، سیفی جات و...، عدم امکان کشت دیگر، شرایط اقلیمی، بیکاری، مزارع باتلاقی، مزارع نیازمند آبیاری با پمپ، مزارع دور، مزارع واقع شده در روستای دیگر

شکل ۳. نسخه منظم نقشه موقعیت: مؤلفه ها، عاملین و گفتمان های دخیل در توسعه روستایی

(مأخذ: نگارندگان)

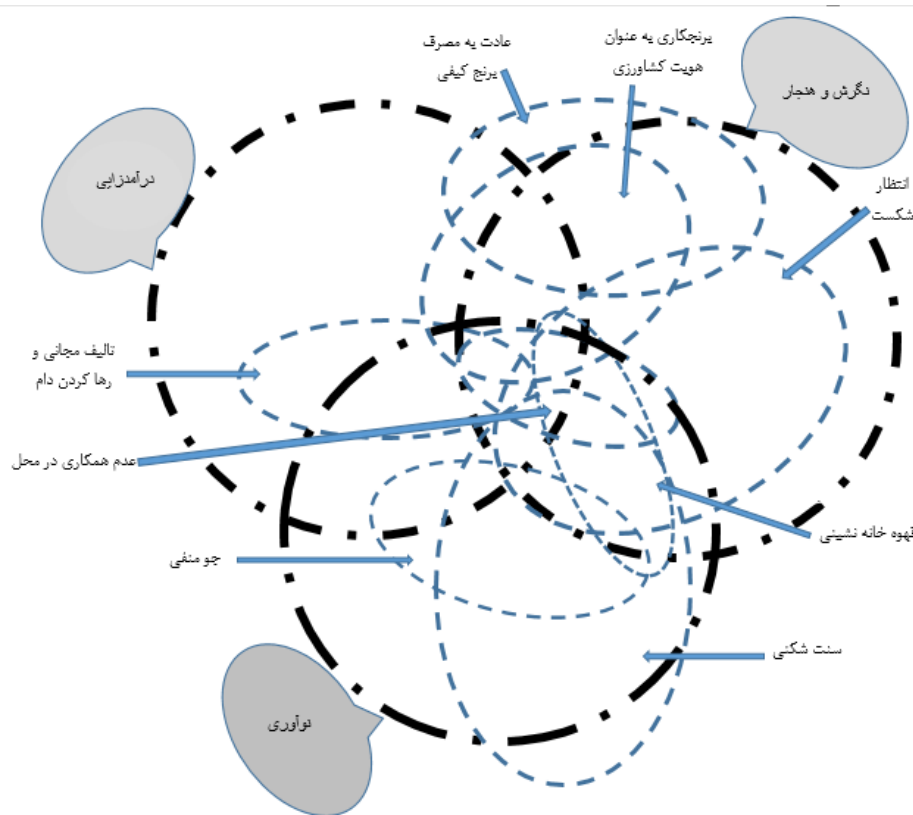
همان طور که در شکل ۳ دیده می شود، مطابق روش تحلیل موقعیت و نسخه منظم از نقشه موقعیت، می توان کنش گران، عاملیت ها، مؤلفه ها و عناصر مختلف را ذیل دسته ها و گروه های مختلف صورت بندی کرد تا تصویری روشن تر از پیچیدگی ها و تنوع در یافته ها به دست آورد.

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

نقشه‌های عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی

کلارک یکی از نقاط قوت نظریه‌سازی زمینه‌ای پس از چرخش پسامدرن را در چارچوب تحلیلی سطح میانه آن می‌داند و نقشه‌های عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی را به‌عنوان تجلی این امر در تحلیل موقعیت معرفی می‌نماید. از نظر وی «سطح میانه عبارت است از سطح عمل اجتماعی - نه به‌عنوان سطحی شامل توده‌ای از افراد، بلکه جایی که افراد به‌واسطه عمل متعهدانه خود به جهان اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های آن جهان - که به‌طور هم‌زمان هم به وسیله گفتمان‌ها ساخته شده و هم گفتمان‌ها را خلق می‌نمایند، مکرراً به موجودیت‌هایی اجتماعی تبدیل می‌شوند» (کلارک، ۲۰۱۵).



شکل ۴. نقشه عرصه‌ها/جهان‌های اجتماعی (مأخذ: نگارندگان)

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)
محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

روستاییان از چشم‌انداز خود، به عوامل یا موانع توسعه اشاره کردند. برخی از این موارد، اشاره به اعمال اجتماعی روستاییان دارد. جایی که اعمال انفرادی و رفتار واقعی آنان در واقعیت، هم تحت تأثیر ساخت‌های گفتمانی موجود قرار می‌گیرد و هم به ساخت گفتمانی، شکل می‌دهد. نتایج چشم‌انداز روستاییان، سه حیطه "نگرشی و هنجاری"، "درآمدزایی" و "نوآوری" را به‌عنوان عرصه‌های اجتماعی مانع شکل‌گیری توسعه روستا، برجسته می‌نماید. جهان‌های اجتماعی روستاییان تحت تأثیر این عرصه‌ها هستند. عرصه‌های اجتماعی با خط-چین ضخیم‌تر و جهان‌های اجتماعی، نازک‌تر نمایانده شده است. استفاده از خط‌چین، حاکی از فضای تخلخلی و برهم‌کنش عرصه‌ها و جهان‌های اجتماعی بر همدیگر است.

در قاموس روستاهای شهرستان لاهیجان، کشاورزی معادل شالیکاری است. کشاورزان خود را "برنجکار" تعریف می‌کنند. اگر کسی برنج کشت نکند، خود را کشاورز نمی‌داند. این دید باعث می‌شود که کشاورز هم همین حرفه را برای فعالیت "کافی" بداند و یا اگر کاری دیگر انجام می‌دهد و حتی به نوعی آگاه شود که ممکن است حاشیه سود آن از برنجکاری هم بالاتر باشد، باز آن را فرعی دانسته و جدی نگیرد. به عبارت دیگر، از چشم‌انداز شالیکار، اگر امکان زراعت محصولات غیر برنج، فراهم باشد، امر مطلوبی است؛ ولی اگر نباشد، خیلی مهم نیست. در اینجا، هنجارها و باورها، به‌عنوان یک مانع در توسعه محلی محسوب می‌شوند. زارعان با عدم رسیک در آنچه زراعتش را بلدند در مقابل انواعی از محصولات که تجربه کافی از آن را ندارند، استرس‌های خود را کاهش می‌دهند. این در حالی است که تأیید سایر اهالی را هم با این شیوه به همراه دارند. چیزی که از لحن کشاورزان برمی‌آید این نکته است که روستانشینان درآمدهای دیگر غیر کشاورزی برای خود در نظر می‌گیرند و یا حتی با فقر و نداری، دست و پنجه نرم می‌کنند، ولی حاضر نیستند از "تصور" خود که می‌توان بار دیگر از شالیزار برداشت دومی داشته باشند، دست بردارند. آن‌ها خود را برنجکار می‌شناسند، نه زارع محصولات دیگر. سنت کشت برنج، برداشت یک‌بار در سال است. شالیکاران از کودکی، کشت یک‌بار در سال را تجربه کرده‌اند. زارع به برداشت دوم که تجارب واقعی بسیار محدود است، با شک و تردید نگاه می‌کند. کاشت درختان میوه و صیفی‌جات و سبزیجات هم در حد مصرف شخصی است؛ یعنی نیاز آن‌ها را برآورده می‌کند، ولی منظور از آن، فروش نیست.

در منطقه، مصرف برنج کیفی نشانه‌هایی از تفاخر را به همراه دارد. تولید و مصرف برنج کیفی که نسبت به واریته‌های پرمحصول که در واحد سطح میزان برداشت کم‌تری دارد، رضایت خاطر زارعان را برآورده می‌کند. درواقع بیشتر آن‌ها، به علت پایین بودن مساحت شالیزارهایشان، عمده سهم میزان تولید را صرف تأمین خوراک سالیانه می‌کنند. ضمن اینکه برای بازاریابی هم، انواع کیفی چون هاشمی و صدری بهتر عمل می‌کنند. درواقع، هنجارهای بومی حامی تولید ارقام کیفی است و چنین شالیکارانی را به‌عنوان برنجکار موفق و معتبر به رسمیت می‌شناسند.

نوآوری و سنت‌شکنی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، گذر از امور جاری است. کشت دوم برنج یا کشت محصول جدید که کشاورز تجربه آن را ندارد یا در صورت تداخل آن با شالیکاری، زارع را دچار نگرانی می‌کند. قابل فهم است که ظرفیت اغلب کشاورزان برای پذیرش استرس‌های امور جدید و کنترل هم‌زمانی‌های زراعت پایین است و آن‌ها به بهای صرفه‌نظر کردن درآمد دوم و بهره‌گیری از داده‌های موجود، از تحمل چنین تنش‌های درونی صرف‌نظر می‌کنند. متأسفانه از پاسخ‌ها برمی‌آید که حضور مروجان به‌عنوان راهبران افق‌های جدید، تأیید به‌کارگیری نوآورانه منابع روستایی و روحیه‌دهندگان بدعت‌کنندگان و مقوم حل مشکلات و معضلات حین انجام زراعت، در روستاها، محسوس نیست.

روستا شباهت‌های بیشتری به جوامع از نوع روابط گروه نخستین، دارد. افراد نظارت زیادی نسبت به هم دارند. این حضور بر طرفین وضوح دارد. تجارب متفاوت کم‌تر از شهر است. برای انجام نوآوری، ترس از شکست و حتی انتظار آن را بایست پذیرا بود. با توجه به نوع روابط هم‌ولایتی‌ها، نه‌تنها، این موانع ذهنی سد راه پیشرفت است که شنیدن سرکوفت، تمسخر، غیبت، گشودن سبک‌های جدید زراعت را بغرنج می‌کند. به عبارتی در اینجا فقط ترس از شکست مالی، مطرح نیست، نظارت محلی هم مطرح است. در اینجا، هم‌ولایتی‌ها و پایش آن‌ها، بر استرس زارع می‌افزاید؛ چون عبور از عادات مالوف، خرده‌گیری و غیبت در پی دارد. البته موفقیت این نوآوران، نظرها را جلب و تأیید به دنبال دارد.

قهوه‌خانه، مکانی عمومی در روستاهای گیلان و در اینجا لاهیجان، محل گذراندن اوقات فراغت مردان، مبادله اجناس و اخبار، دانش و تجربه‌های عمومی و خصوصی است. قهوه‌خانه روی تعاملات روستاییان مؤثر

است؛ چون آنجا، محل تبادل حرف‌های خاله‌زنگی، حسادت، تنگ‌چشمی، زیر سؤال بردن، تمسخر و بی‌انگیزه کردن تلاش‌های نوآورانه و متفاوت از سنت‌های قدیم است. از طرف دیگر، آنجا، محل ارائه رهنمودها و کمک به رقابت بین محلات برای انسجام داخلی نیز هست.

برخی روستایان از وجود علوفه موجود در سطح روستا و پس‌مانده‌های شالیزار بعد از درو برنج، جهت تألیف رایگان گاو خود بهره می‌گیرند. از آنجا که شالیزارها محصور نیست و محصورنمودن، به لحاظ هزینه گران تمام می‌شود و به اجرایی نیز در امر شالیکاری در دسرهای فراوانی ایجاد می‌کند، مزارع بدون حفاظ، برای کشت دوم برنج یا سایر محصولات امن نیستند. همکاری لازم در فصل اصلی کشت برنج، بعد از درو، حتی با مصوبات شورای روستا و ابلاغ آن‌ها، حاصل نمی‌شود.

نقشه‌های وضعیت

نقشه‌های وضعیت، راهبردهایی برای ساده‌سازی و تسهیل ترسیم وضعیت‌های اتخاذ شده و اتخاذ نشده هستند (کلارک، ۲۰۰۵). در نقشه‌های زیر، مستطیل‌های ترسیم‌شده با خطوط ممتد نشان‌دهنده وضعیت‌های اتخاذ شده در داده‌هاست و مستطیل‌های ترسیم‌شده با خطوط نقطه‌چین، وضعیت‌های اتخاذنشده را نشان می‌دهند.



شکل ۵. نقشه وضعیت‌های مختلف در خصوص امکان پذیری کشت دوم (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۶. نقشه وضعیت‌های مختلف نگرش‌ها و پذیرش عمومی در روستا (مأخذ: نگارندگان)

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان) محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری



شکل ۷. نقشه وضعیت‌های مختلف مزارع و بهره‌برداری (مأخذ: نگارندگان)

نقشه وضعیت‌های فوق، نشانه‌های زیادی از وجوه اشتراک معضلات عمومی کشاورزی دارد که پیش از این در کتب و مقالات علمی ملاحظه شده است. درعین حال، مشکلات خاصی هم وجود دارد که مختص منطقه است. به‌عنوان نمونه، مشکل رهاکردن دام و عدم همکاری در کنترل آن و کشت یک‌بار در سال مختص منطقه روستاهای شمال است. با این حال، تأکید بر هویت شالیکاری و اجتناب از زراعت محصولات دیگر در روستاهای لاهیجان بسیار منحصر به این منطقه است. در استان گلستان و مازندران که شرایط اقلیمی نزدیکی به گیلان دارند، زارعان تأکید بیشتری بر منافع خود و بازار دارند تا بر هویت شالیکاری؛ یا کاشت بادام و محصولات دیگر در روستاهای شهر مجاور یعنی آستانه اشرفیه، تداول بیشتری دارد. البته باید اذعان داشت در روستاهای آستانه اشرفیه به دلیل آبرفت سپیدرود و وجود ماسه بیشتر، بافت و ساختار خاک اندکی متفاوت بوده که این امر، نهاده‌ای مؤثر در "امکان" کشت از انواع دیگر فراهم می‌سازد.

۵- نتیجه‌گیری

در روستاهای لاهیجان مانند بسیاری از روستاهای استان گیلان، از نهاده‌های کشاورزی، استفاده بهینه نمی‌شود. این موضوع مشوق نگارندگان گردید تا با استفاده از یک روش کیفی -اکتشافی تحت عنوان "تحلیل

موقعیت " به بررسی موضوع بپردازند. برای جامعه آماری به بزرگی استان گیلان که از مشکلات مشابهی رنج می برد، به عنوان نمونه به پنج روستای شهرستان لاهیجان مراجعه شد و در هر روستا از سه نفر به صورت تصادفی (هرچند در راستای مطالعه هدفمند) مصاحبه به عمل آمد.

خرد و پراکنده بودن زمین های کشاورزی منجر به عدم فراگیر بودن مکانیزاسیون همه بخش های عملیات کشاورزی شده است. به طوری که اشکال سنتی و دستی، هزینه ها را بالا برده است. مزارع خرد در حد و حدود مصرف شخصی کشاورز است. هدف اصلی از کشاورزی، تأمین سالیانه مصرف برنج یا "حداقل معیشت" است. شالیکار اعتبارش را در روستا حول تولید "برنجی با کیفیت" چه در تولید و مصرف می بیند. ادراک هویت "برنجکار" کشاورز لاهیجی، با پژوهش نصرتی، برقی و قنبری (۱۴۰۱) همخوانی دارد. تلاشی برای کشت واریته های پر محصول دیده نمی شود. این نتیجه با پژوهش شفائیه، کاوسی و قلی زاده همخوانی دارد. در ضمن، محصول کیفی ارقام صدری و هاشمی و...، با ویژگی های محلی بودن، ارگانیک بودن، دانه بلند بودن، معطر بودن و بسته بندی شرکتی، قیمت های بالاتر و... هرچند که راندمان پایینی دارند، راحت تر به فروش می رسد. این نتیجه با پژوهش امیرنژاد و همکاران (۱۳۹۷) در مورد اهالی شهر رشت منطبق است.

روستاییان از تعابیر مختلفی برای مشکلات مالی خود، استفاده کردند، ولی منظور آن ها این بود که درآمد روستایی، معادل "هزینه کارشان" است. به عبارتی اگر از اصطلاحات حسابداری استفاده شود و تعابیری چون ارزش زمین به عنوان دارایی و سود حاصل از آن، ارزش سرمایه در گردش و سود مترتب بر آن، مانند تزریق سرمایه جهت پرداخت بذر، شخم، کود، سم، آبونمان آب، پلاستیک خزانه، هزینه کارگر جهت نشاء، هرس، وجین، وجین دوم، برداشت و خرمن و سفید کردن را محاسبه گردد، از ماحصل این واحدهای تولیدی، سود چندانی حاصل نمی گردد. این مطلب نیز با پژوهش شفائیه، کاوسی و قلی زاده هم راستا می باشد. در واقع، زارع فقط معادل "مقدار کاری" که در شالیزار صرف می کند و آن را به کارگر مزدور پرداخت نمی کند، درآمد دارد. نتیجه پژوهش شاهین رخسار و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد کشاورزان، عدم حمایت دولت و اتحادیه کشاورزان از خرید تضمینی محصولات جایگزین برنج، نبود بازار فروش مناسب و عدم وجود مزارع پیشرو موفق از جمله دلایل عدم استقبال خود می دانند.

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

نکته قابل عنایت این پژوهش که کم‌تر توجه شده این است که ازجمله دلایل عدم کشت دوم در گیلان نسبت به سایر مناطق ایران، خصلت باتلاقی بودن شالیزارهاست. باتلاقی بودن اثری دو سویه دارد. برنج‌کاری، بدون زمین باتلاقی، امکان‌پذیر نیست، اما درست به همین دلیل هم امکان کشت بسیاری از محصولات دیگر، امکان‌پذیر نیست.

همچنین قابل ذکر است، اگرچه در کشت اول، در مورد تعیین و تعمیر مرز بین مزارع، چگونگی رفت و آمد ماشین‌های کشاورزی، درو و آبیاری اختلافاتی وجود دارد، اما در روستا، یک تفاهم کلی بر سر همکاری وجود دارد. وقتی مزرعه یک کشاورز در روستای خودش در بین مزارع دیگران قرار می‌گیرد و یا حتی بدتر، مزرعه‌اش در روستای دیگر در بین مزارع آن‌ها قرار می‌گیرد، کنترل بر آن جهت کشت دیگر، مشکل می‌شود؛ چون مالکان دیگر جهت کشت دوم همکاری نکرده و روح تفاهم کلی همکاری کنار گذاشته می‌شود. در چنین حالتی، صاحبان شالیزار بر مزارعشان کنترلی ندارند. آن‌ها نمی‌توانند کشت دیگری داشته باشند. از آنجاکه برخی اقلام را می‌خواهند آزمایشی کشت کنند و تجربه کمی دارند، هزینه محصور کردن قطعات در ابتدای امر معقول به نظر نمی‌آید.

در پایان قابل ذکر است، معضلاتی چون نوع ادراک کشاورز از هویت برنجکاری و مشکل باتلاقی بودن، بازاریابی و مطلوبیت مورد انتظار بازار با بیانیه و شعارهای نمایشی قابل رفع نیست. اما، به نظر می‌آید با تغییر اقلیم و گسترش و تعمیق مکانیزاسیون در شالیکاری، به تدریج شاهد، تغییراتی در کشت و زرع در آینده نزدیک خواهیم بود.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسؤل، این مقاله حامی مالی نداشته است.

یادآوری

این مقاله، متأثر از پایان‌نامه آقای یاسر خوش سیرت سلیمی تحت عنوان "تأثیر هنجارها و باورهای روستاییان بر توسعه (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان لاهیجان)"، در مقطع ارشد، دانشگاه پیام‌نور تهران غرب می‌باشد.

منابع

- اسدپور، زهره. (۱۳۹۵). بررسی اثرات توسعه گردشگری بر کیفیت زندگی نواحی روستایی (مطالعه موردی: روستای کریک شهرستان دنا)، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: بهرام ایمانی، دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل.
- اشراقی سامانی، شیخ محمدی، پورسعید. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر عدم بازپرداخت تسهیلات بانک کشاورزی از سوی کشاورزان. مورد: شهرستان ایلام. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. ۴ (۲): ۹۱-۷۷.
- آمارنامه کشاورزی (۱۳۸۷-۱۳۸۶). وزارت جهاد کشاورزی، معاونت امور برنامه ریزی و اقتصادی، دفتر آمار و فناوری اطلاعات.
- آمارنامه کشاورزی (۱۳۸۷-۱۳۸۸). وزارت جهاد کشاورزی، معاونت امور برنامه ریزی و اقتصادی، دفتر آمار و فناوری اطلاعات
- آمارنامه کشاورزی (۱۳۸۹-۱۳۸۸). وزارت جهاد کشاورزی، معاونت امور برنامه ریزی و اقتصادی، دفتر آمار و فناوری اطلاعات
- بابایی سالانقوج، مسعود، ربیعی (۱۳۹۷). تبیین انگاره «شهر اسلامی» با استفاده از نسخه تحلیل موقعیت روش نظریه زمینه‌ای. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره نوزدهم، سال ششم: ۲۲-۳.
- بابایی سالانقوج، مسعود، زمانی، ربیعی. (۱۳۹۶). تحلیل موقعیت به مثابه روشی برای پژوهش در خصوص شهر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال ۷، شماره ۲۷، بهار ۹۶: ۲۸-۱۷.
- احمدوند، بازیار. (۱۳۹۶). تبیین بازدارنده‌های توسعه کشاورزی در روستاهای شهرستان رستم. فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی. ۱۰ (۱): ۷۶-۶۵.
- پاپزن، شیری. (۱۳۹۱). بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱ (۱): ۱۲۶-۱۱۳.
- تقدیسی، احمد و بسحاق، محمدرضا. (۱۳۸۹). چالش‌های کشاورزی و تأثیر آن‌ها بر جمعیت روستایی با تأکید بر تغییرات سطح زیرکشت (مطالعه موردی: دهستان سیالخور شرقی-شهرستان ازنا). پژوهش‌های روستایی، ۱ (۲): ۱۶۱-۱۳۷.
- چمبرز (۱۳۷۸)، ازکیا، توسعه روستایی اولویت‌بخشی به فقرا، انتشارات دانشگاهی تهران.
- خالدی، امجدی. (۱۳۹۰). بررسی انگیزه‌ها و موانع تبدیل به کشاورزی ارگانیک: درس‌هایی از تجربه سایر کشورها، مجموعه مقالات دومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۵ و ۱۶ تیرماه.
- خوش سیرت سلیمی، یاسر. روحانی، علی. افراسیابی، حسین. صالحی، صادق. (۱۴۰۳). برهمکنش مردم و سیاست‌های محیط زیستی، یک مطالعه کیفی از درگیری بومیان اطراف مناطق حفاظت‌شده بامحیطبانان در پارک ملی بوجاق. ۳۵ (۴): ۵۴-۳۳.

تحلیل موقعیت موانع توسعه کشاورزی شالیزاری از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی روستاهای شهرستان لاهیجان)

محمدجواد زاهدی مازندرانی، یاسر خوش سیرت سلیمی، شهناز بختیاری

- رایبینگتون، ارل. واینبرگ، مارتین. (۱۳۸۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه صدیق سروستانی، رحمت‌اله. تهران. مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دوم.
- رضایی، مجتبی. امیری، ابراهیم. کمالی، مرتضی. (۱۴۰۳). برآورد سطح زیرکشت برنج در استان گیلان با استفاده از فناوری سنجش از دور و سامانه GEE. نشریه پژوهش‌های خاک. ۳۸(۲): ۱۱۳-۱۲. <https://doi.org/10.22092/ijsr.10.22092>. ۲۰۲۴.۳۶۶۲۵۴.۷۵۰
- شاهین‌رخسار، پریسا. علیزاده، امین. انصاری، حسین. قربانی، محمد. (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت‌بندی دوم کشت توسعه موانع از دیدگاه کشاورزان استان گیلان (مورد: شهرستان آستانه اشرفیه). اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی. دانشگاه تهران.
- شفائیه نجار، علیرضا. کاوسی کلاشمی، محمد. قلی‌زاده. حیدر. (۱۴۰۳). ارزیابی درجه توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی در استان‌های شمالی ایران. نشریه علمی مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی. ۵ (۳) ۱۸: ۹۵-۱۱۲.
- شفائیه نجار، علیرضا. کاوسی کلاشمی، محمد. قلی‌زاده. حیدر. (۱۴۰۳). بررسی توسعه‌یافتگی بخش کشاورزی روستاهای استان‌های شمالی ایران و هلند با استفاده از الگوی MARCOS. فصل‌نامه راهبردهای توسعه روستایی. ۱۱(۱): ۵۷-۴۲.
- صادق‌زاده، مینا. اللهیاری، محمدصادق. انصاری، محمدحسین. (۱۳۹۳). تحلیل سطوح دارایی‌های پایداری نظام شالیکاری شهرستان رشت. فصل‌نامه راهبردهای توسعه روستایی. ۲(۱): ۹۷-۸۵.
- طالب، مهدی. میرزایی، حسین. نادری، عفوآت. (۱۳۹۱). ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی (بررسی موردی: طرح‌های تجمیع مناطق روستایی). فصل‌نامه توسعه محلی. ۴(۱): ۱۸-۱.
- کشاورز، فتح‌اله، الهیاری، محمدصادق، آذرمی سه‌ساری، ذکریا، و خیاطی، مهدی. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر عدم پذیرش کشت ارقام برنج پرمحصول در میان کشاورزان استان گیلان. پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۳(۴): ۹۹-۱۱۲. <https://sid.ir/paper/fa189827>
- کشاورز آلاله‌گورابی، نگین. انصاری وحیده. سلامی حبیب‌الله. (۱۴۰۱). بررسی صرفه‌های ناشی از اندازه در شالیزارهای برنج استان گیلان. اقتصاد کشاورزی. ۱۶ (۴): ۱۴۶-۱۱۵.
- کریم‌زاده، مجید. (۱۴۰۰). اولویت‌بندی موانع توسعه کشاورزی در مناطق روستایی شهرستان سراوان. تعاون و کشاورزی. ۹ (۳۷): ۱۵۳-۱۸۰.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۷۴). مشارکت: استراتژی جدید در توسعه. ماه‌نامه جهاد، سال پانزدهم، شماره ۱۷۹-۱۷۸.

- مرادی، ژیلا. میرک زاده، علی اصغر. رستمی، فرحناز. (۱۳۹۷) "شناسایی موانع توسعه کشاورزی از دیدگاه کشاورزان دهستان قراتوره" فصل نامه راهبردهای توسعه روستایی ۵ (۳): ۳۱۱-۳۲۷.

<https://doi.org/10.22048/rdsj.10.22048>

- مرصوصی و بهرامی پاوه. (۱۳۹۰). توسعه پایدار روستایی. چاپ اول انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۲۰۸.

- نداف فهمیده، سلماز، اللهیاری، محمد صادق، انصاری، محمد حسین، و کاوسی کلاشمی، محمد. (۱۳۹۴). تحلیل آثار اقتصادی-اجتماعی پذیرش کشت دوم پس از برنج در شهرستان فومن. تحقیقات غلات. دور ۵ (۲): ۱۳۰-۱۲۱.

- نصرتی، ماهره. برقی، حمید. قنبری، یوسف. (۱۴۰۱). تغییر الگوی کشت و اثرات آن بر ساختار اقتصاد پایدار. جغرافیا و پایداری محیط.

DOI: 10.22126/GES.2022.7432.2498 .۱۲۵-۱۰۹:۴۳ (۲)۱۲

- نوایان، مریم و آقاجانی، محبوبه. (۱۳۹۱). ارزیابی اثر مدیریت آبیاری شور و شیرین بر عملکرد برنج رقم هاشمی. مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، علوم آب و خاک. ۱۶ (۶۰): ۵۴-۴۵.

- هادی نیا، ح. (۱۳۹۲). اثر تغییر اقلیم بر نیاز آبی برنج در منطقه رشت. رشته آبیاری و زه کشی، پایان نامه کارشناسی ارشد، نادر پیرمردیان و افشین اشرفزاده، دانشکده کشاورزی، دانشگاه گیلان. رشت.

-Clarke, Adele E. 2005. *Situational Analysis: Grounded Theory after the Postmodern Turn*. Sage

-Clarke, Adele E. & Keller, Reiner (2014), *Engaging Complexities: Working Against Simplification as an Agenda for Qualitative Research Today*, Adele Clarke in Conversation With Reiner Keller [137 paragraphs] , *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research*, 15(2), Art. 1.

-Demetriou, D. (2013) *The development of an integrated planning and decision support system (IPDSS) for land consolidation*. Springer Science & Business Media.

-Makal, A., Banerjee, A., Roy, A., Hazra, S. and Polley, K. 2017. *Issues and Problems in Agricultural Development: A Study on the Farmers of West Bengal*. Bhui, S., Das, M. S. and Coomar, P. C. *Development among the Tribal and Minority Societies*. Publisher: Gyan Publishing House: New Delhi. 292 p

- Pattanaik, F., & Mohanty, S. (2017). Changes in Cropping Pattern in Odisha Agriculture in Neo-Liberal Period. *Journal of Rural Development*, 36(1), 121-15
- Pérez, Michelle Salazar, and Gaile S. Cannella. 2013. Situational Analysis as An Avenue for Critical Qualitative Research: Mapping Post-Katrina New Orleans. *Qualitative Inquiry* 19(7): 505-517. 35.
- Raymond, André. 1994. Islamic City, Arab City: Orientalist Myths and Recent Views. *British Journal of Middle Eastern Studies* 21(1): 3-18.
- Nagayets, O. (2005). Small farms: current status and key trends, information brief, prepared for the future of small farms. Research workshop wye collage, June 4.
- Scoones I (1998) Sustainable rural livelihoods: A framework for analysis. Institute of Development. Working paper. 72 - 112.
- Zhang, Yongguilu, 2011, Reflection on farmers participation in rural Community Cultural construction, Vol. 7, No. 9, p154
- Woodhouse P., Howlett D. and Rigby D (2000) sustainability indicators for natural resource management & policy, a framework for research on sustainability indicators for agriculture and rural livelihoods. Working Paper 2, February 2000. ISBN: 1 902518624, Department for International Development Research Project No. R7076CA.

Analysis of the situation of obstacles to the development of paddy agriculture from the perspective of villagers (a case study of villages in Lahijan city)

Shahnaz Bakhtyari¹, Yasser Khoshsirat Salimi², Mohammad Javad Zahedi Mazandarani³

Date Received:

21 May 2025

Date Accepted:

25 July 2025

Keywords:

Rice field, agricultural development, farmer's point of view, agricultural obstacles, analysis of agricultural situation.

Abstract

Rural growth and development, and above all the development of the country, is closely related to the participation of villagers in more efficient use of available resources. But despite the many benefits of rural development and improving the personal situation of farmers, the efficiency of the agricultural system is low.

The current research was conducted with a qualitative method and using the situation analysis method to investigate the obstacles and problems of agricultural development in the rice fields of northern Iran. The data collection tool was a semi-in-depth interview with the farmers of Lahijan city (Gilan). The statistical population of the research includes 15 villages using random targeted sampling from 5 villages of Lahijan city. Data analysis was done using special techniques of situational analysis. From the point of view of the farmers of the study, there are problems and problems such as: infrastructure problems, economic problems, cultural problems, and motivational problems. The attitude of farmers, the way farmers define their identity and the way of cooperation and interactions among villagers also have an effect on the effective use of available resources.

¹ PhD student of sociology. Humanities and Social Sciences Pardis. University OF Yazd. Yazd. Iran

² hD Sociology. Central Tehran Azad University. Department of Sociology and Social Sciences. Tehran. Iran

³ 3 Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran